

ایران و کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح^(۱)

(۱۳۱۴-۱۳۰۴ ش. / ۱۹۳۵-۱۹۲۵ م.)

مهشید لطیفی نیا

معاهده منعقد شد که طی آن، طرفین توافق کردند که به خاطر مردم، جنگ را به مدت ده سال بین خود کنار بگذارند و طی این مدت، مردم در امن و امان بسر برند... (۷)

پیش‌تر که بیانیم به معاهدات صلح و ستغالی خواهیم رسید که به جنگهای خونین سی ساله مذهبی میان پروتستانها و کاتولیکها پایان داد و پس از آن، اصل موازنه (۸) سیاسی در اروپا پدید آمد که بر پایه آن، هیچ کشوری نباید در صدد تحمیل اراده خود به دیگران باشد. با صدور اعلامیه حقوق بشر پس از انقلاب فرانسه در اوت ۱۷۸۹ م. ۱۱۶۷ ش.، اصول آزادی به اروپا راه یافت و گسترش پیدا کرد. (۹)

کنگره وین، از هجدهم نوامبر ۱۸۱۴ م. ۱۱۹۲۷ ش. آغاز شد و تا نهم ژوئن ۱۸۱۵ م. ۱۱۹۴۲ ش. به طول انجامید و منجر به انعقاد عهدنامه‌های وین گردید. تعداد ۲۱۶ دولت در این کنگره شرکت نمودند؛ با وجود این، کنگره عملاً افتتاح نشد، بلکه کمیسیون ویژه‌ای در نهم ژوئن ۱۸۱۵ سند نهایی را امضا کرد. از آن پس، کنگره‌ها و کنفرانسهای متعددی در پاریس، ژنو و لاهه تشکیل شد. (۱۰) در هجدهم مه ۱۸۹۹ م. ۱۲۷۷ ش. بنا بر پیشنهاد نیکلای دوم، امپراتور روسیه، اولین کنفرانس معروف به کنفرانسهای صلح در شهر لاهه تشکیل شد و طی آن، روسیه پیشنهاد نمود تا تولید و به کار بردن تسلیحات جنگی و تعرضی، به طور آزمایشی محدود شود تا صلح جهانی برقرار گردد. تعداد ۲۶ کشور در این کنفرانس شرکت نمودند که شامل بیست کشور اروپایی، دو کشور آمریکایی و چهار کشور آسیایی از جمله ایران بود و ضمن آن، بر سه مسئله اساسی ذیل توافق حاصل شد:

- ۱- تأسیس دیوان دائمی داوری (۱۱) به عنوان مرجع صلاحیتدار برای جلوگیری از جنگ از راه اقدامات اصلاحی، میانجیگری (۱۲) و داوری.
- ۲- تهیه و تنظیم قوانین و عرفهای جنگ زمینی.
- ۳- شمول عهدنامه ۱۸۶۴ ژنو به جنگ دریایی.

دومین کنفرانس صلح لاهه نیز بنا به دعوت امپراتور روسیه، از پانزدهم ژوئن ۱۹۰۷ م. ۱۲۸۶ ش. در شهر لاهه با شرکت ۲۴ کشور جهان تشکیل شد و تا هجدهم اکتبر ادامه داشت. نخستین اثر مثبت این کنفرانس، بیوستن تعداد کثیری از کشورهای جهان به معاهدات پیشین و نیز امضای سیزده معاهده

در مارس ۱۹۸۵ در کنفرانس دهلی، بانو ایندیرا گاندی به نمایندگی از جانب هند به ریاست کشورهای غیرمتعهد (۲) برگزیده شد. او، این جنبش را بزرگ‌ترین نهضت صلح طلبانه در تاریخ توصیف کرد و برنامه آن را استقلال، آزادی و برابری ملتها دانست. عبارت پایانی کنفرانس رانیز چنین اظهار داشت: "از لحاظ سیاسی، اعلام می‌داریم که در عصر جنگ افزارهای هسته‌ای، خواهان خلع سلاح، بقای بشریت و همزیستی مسالمت‌آمیز هستیم." (۳) اصولی که بانو گاندی خواهانش بود، رؤیایی است که از دیرباز هر از چندگاهی اندیشمندان در سر می‌پرورند و جهت تحقق آن، تلاشهایی صورت می‌گیرد. بتدریج دامنه این تلاشها از صورت مذاکرات و کمیسیونهای مختلف فراتر رفته، در قالب میثاق (۴) و عهدنامه جلوه گر می‌شود.

پیشینه معاهدات صلح

نخستین معاهدات شرق را، می‌توان در سنگ نیسته‌ای به زبان سومری یافت که مربوط به حدود ۳۱۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است و اولین معاهده بین‌المللی محسوب می‌شود که میان ایناتوم، فرمانروای فاتح سرزمین مستقل لاگاش در بین‌النهرین از یک سو و نمایندگان مردم اوما، یکی دیگر از شهرهای مستقل بین‌النهرین از سوی دیگر منعقد شده است.

از دیگر معاهدات - که در زمینه صلح و خلع سلاح میان دولتها منعقد می‌شد - معاهده صلح و اتحاد میان رامسس دوم مصر و هاتوسیلی دوم قوم هیتی در ۱۲۷۸ پیش از میلاد را می‌توان نام برد که طی آن، طرفین متعهد شدند علیه دشمنان داخلی یا یکدیگر مساعدت نمایند. (۵)

- در یونان نیز اصول و مقرراتی که ناشی از معاهدات میان دولتشهرها می‌شد و نیز تحکیم عهدنامه‌های صلح، ادای سوگند، احترام به اجساد کشته شدگان در جنگ و شناسایی حق پناهندگی وجود داشته است.

- در دوران مسیحیت از مهم‌ترین قواعد حقوق ملل مسیحی، تأسیس دو نهاد حقوقی صلح الهی و متارکه الهی را می‌توان نام برد. (۶)

- در صدر اسلام نیز از معاهده صلح "حدیبیه" از مهم‌ترین معاهدات زمان پیامبر (ص) می‌توان یاد کرد. پیامبر اسلام (ص)، با نیروی ۱۴۰۰ نفری در حدیبیه که - در حوالی مکه بود - اردو زدند و پس از مذاکراتی طولانی، این



جدید مربوط به جنگ و بی طرفی توسط دولتها بود. (۱۳)

تصمیمات جامعه ملل برطبق اصل دوم میثاق از طریق یک مجمع عمومی، یک شورا یا یک دبیرخانه دائمی به موقع اجراء می آید.

از مهم ترین تحولاتی که میثاق به وجود آورد، این بود که جنگ میان دولتها را به یک مسئله بین المللی تبدیل کرد. بدین معنی که جنگ، نقض صلحی به شمار می رفت که بر کل اجتماع بین المللی اثر می گذاشت. (۱۷) با تشکیل جامعه ملل، رسماً از دولت ایران دعوت شد که در جلسات مجمع شرکت کند. هیئت نمایندگی ایران متشکل از امیر ذکاءالدوله غفاری، حبیب الله شهاب و دکتر جلیل خان به ریاست ارفع الدوله در نخستین اجلاس مجمع شرکت نمودند. علیقلی خان نبیل الدوله، کاردار ایران در واشنگتن نیز به عنوان یکی از نمایندگان ایران در دو اجلاس نخستین مجمع شرکت نمود. (۱۸)

در راستای اهداف اصل هشتم میثاق، کمیسیون موقتی مختلط کاهش تسلیحات (۱۹) در اجلاس نخست مجمع به وجود آمد و بعدها به کمیسیون مقدماتی خلع سلاح (۲۰) تغییر نام داد.

کمیسیون مختلط موقت، اصولی کلی پیشنهاد نمود که مورد قبول کلیه اعضای جامعه ملل از جمله هیئت نمایندگی بریتانیا قرار گرفت. برطبق اصول فوق، اولاً هیچ گونه طرح کاهش تسلیحات نمی توانست موفقیت به دست آورد مگر آنکه صورت عمومی داشته باشد.

ثانیاً، بسیاری از دولتها نمی توانستند به طور جدی تسلیحات قوای خود را کاهش دهند، مگر امنیت کشورشان تضمین شود.

ثالثاً، چنین ضمانتی از طریق یک قرارداد ضمانت متقابل فراهم می شد. رابعاً، از آنجا که هدف قرارداد کاهش تسلیحات بود، ضمانت آن هنگامی تحقق می پذیرفت که چنین کاهش طبق طرح عمومی انجام گرفته باشد.

جامعه ملل و خلع سلاح

هنگامی که جنگ جهانی اول ادامه داشت، نخستین بار پاپ بنوای پانزدهم، در پیام اوت ۱۹۱۷ نظریه تشکیل جامعه ملل را اعلام کرد و بعد از آن ویلسون، رئیس جمهور وقت آمریکا در هشتم ژانویه ۱۹۱۸ ضمن ارائه و بیان اصولی چهاردهگانه در جهت حفظ صلح جهانی، تشکیل جامعه عمومی ملل را پیشنهاد کرد. (۱۴)

پس از خاتمه جنگ جهانی اول در ژانویه ۱۹۱۹ م. ۲۹۷۷ ش.، کنفرانس صلح با شرکت دولتهای فاتح در پاریس تشکیل شد و پس از شش ماه مذاکره، پنج معاهده با کشورهای مغلوب در جنگ به امضا رسید، از آن جمله:

- عهدنامه ورسای با آلمان (۲۸ ژوئن ۱۹۱۹)؛

- عهدنامه سن ژرمن با اتریش (۱۰ سپتامبر ۱۹۱۹)؛

- عهدنامه نویی با بلغارستان (۲۷ نوامبر ۱۹۱۹)؛

- عهدنامه تریانون با مجارستان (۴ ژوئن ۱۹۱۹).

میثاق جامعه ملل در بیست و هشتم ژوئن ۱۹۱۹ به تصویب دولتهای عضو در ۲۶ اصل رسید و در دهم ژانویه ۱۹۲۰ م. ۱۲۹۷ ش.، جامعه ملل به طور رسمی تأسیس شد و دولت ایران در نهم دیماه ۱۳۰۰ ش. ۱۹۲۷ م. به میثاق جامعه ملل پیوست. (۱۵)

اصل هشتم میثاق، مواردی را جهت تحدید تسلیحات و برنامه های نظامی پیش بینی نمود و اصل نهم، کمیسیونی دائمی پیش بینی کرد تا در جهت اجرای مفاد اصول یکم و هشتم (۱۶) و مسائل نظامی، دریایی و هوایی توصیه های لازم را به شورا بنماید.

این بیانیه، خط مشی چهاردهمین قطعنامه ای بود که از طرف اجلاس سوم مجمع درباره تسلیحات به تصویب رسید و سپس به قرارداد کمک متقابل^{۲۴} مجمع عمومی در سال ۱۹۲۳م. ۳۰٪ اش.، پروتکل ۱۹۲۴ ژنو و عهدنامه های ۱۹۲۵ لوکارنو منتهی شد. البته طرح قرارداد فوق، تنها از حمایت کشورهای کوچک بهره مند گردید. (۲۱)

همچنان که پیش می رفت، کمیسیونهایی برگزار می شد و طرحهایی از سوی دولت‌ها جهت کاهش تسلیحات ارائه می شد که تنها در مرحله پیشنهاد باقی می ماند و صورت اجرایی به خود نمی گرفت. مانند طرح کاهش تسلیحات واشنگتن و طرح کاهش تسلیحات روسیه، (۲۲) پروتکل حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی یا پروتکل ۱۹۲۴ ژنو از جهاتی با قرارداد کمک متقابل شباهت داشت. این پروتکل با ترکیب داوری، امنیت و خلع سلاح، سعی داشت کلیه روابط بین المللی را تحت نظام رسمی درآورد و در مورد خلع سلاح، امضاکنندگان متعهد بودند در کنفرانس عمومی خلع سلاح - که از سوی شورا قرار بود در تاریخ دهم ژوئن ۱۹۲۵م. ۳۰٪ اش. تشکیل شود - شرکت جویند. شورا نیز، موظف بود طرحی به منظور کاهش تسلیحات تنظیم کند. پروتکل هم پس از تصویب طرح عمومی کاهش تسلیحات از سوی کنفرانس لازم الاجرا می گردید. (۲۳)

واکنش ایران به عهدنامه سن ژرمن

کمیسیون موقتی کاهش تسلیحات^{۲۵}، در اجلاس سوم مجمع وظیفه داشت با توجه به طرحهای ارائه شده، عهدنامه سن ژرمن^{۲۴} را بررسی نموده، طرحی جدید ارائه دهد و نیز در این مورد با کمیسیون دائمی مشورتی نظامی مشورت نماید.

نمایندگان ایران در جامعه ملل از جمله ارفع الدوله و فروغی، هریک به نوبه خود مخالفت خود را با بند ششم معاهده سن ژرمن و نیز مغایرت آن را با اصل دهم میثاق (۲۵) اعلام نمودند.

نمایندگان ایران، استدلال می کردند: مقررات فوق ایران را - که یک کشور قدیمی و از شروع تاریخ مستقل بوده است - در حد مستعمره تنزل می دهد و ایران با توجه به ماده دهم میثاق از حاکمیت خود در سرزمین و آبهای خود دفاع خواهد کرد. (۲۶) با توجه به اعتراض نمایندگان ایران، کمیسیونهای فرعی و تجدیدنظر تشکیل گردید و کمیسیون دائمی مشورتی نظامی، نظری داد مبنی بر اینکه ایران و منطقه خلیج فارس و دریای عمان از لحاظ ورود اسلحه و مهمات، کماکان جزو منطقه ممنوعه محسوب می شوند.

ارفع الدوله، نماینده ایران با اعتراض به طرح جدید در بخشی از اظهاراتش تصریح داشت: "ایران، مصمم است از تجارت غیرمجاز اسلحه به سرزمین خود کلاً جلوگیری نماید؛ اما این عمل را به عنوان یک دولت مستقل انجام می دهد نه به صورت نوعی سرزمین مستعمره ...". (۲۷)

پس از اظهارات نمایندگان ایران و مذاکرات کمیسیون، سند جدیدی که در این زمینه به امضای تعدادی از دولتها رسید، تحت عنوان "عهدنامه نظارت بر تجارت بین المللی اسلحه و مهمات و ادوات جنگی" (۲۸) در هفدهم ژوئن ۱۹۲۵م. ۳۰٪ اش. بود که به دلیل نرسیدن به حد نصاب، لازم الاجرا نگردید و نکته ای که حائز اهمیت بسیار است، اینکه عهدنامه سن ژرمن، کاملاً به عهدنامه فوق منتقل شده بود. (۲۹)

* * *

ایران، از حدود سالهای ۱۳۰۲ اش. ۱۹۲۳م. بارها نسبت به تردد غیرمجاز کشتیهای جنگی بریتانیا در بنادر خود، اعتراض می کرد و انگلستان، با استناد به عهدنامه ممنوعیت تجارت برده مصوب ۱۸۸۲م. ۱۲۶۷ اش. - که دیگر موضوعیت نداشت - حق تفتیش و کنترل کشتیها را از آن خود می پنداشت. (۳۰) بهانه دیگر انگلستان، جلوگیری از قاچاق اسلحه بود و با این استنادهای ساختگی، کشتیهای خود را در خلیج فارس مستقر می ساخت. (۳۱)

طرح پیشنهادی ایران جهت تعدیل عهدنامه

تیمور تاش، در پیش نویس طرحی که در مورد تعدیل معاهده ممنوعیت تجارت اسلحه تسلیم سفارت بریتانیا نمود، پیشنهاد کرد، بر اساس حقوق متقابل، توافق حاصل شود به این صورت که آبهای قلمرو ایران از حوزه کنترل انگلیسیها خارج شده و حق تفتیش کشتیهای طرفین در دریای آزاد (۳۲) به کشتیهای با ظرفیت ۵۰۰ تن محدود شود که تحت پرچم کشور طرف مقابل حرکت می کردند. وزارت خارجه بریتانیا، در پاسخ به کلاو اظهار داشت: "ایران نمی توان از حق تفتیش در آبهای بین المللی برخوردار ساخت ...". (۳۳)

در تاریخ ۳۰/۷/۱۹۲۷ اش. ۱۹۲۷م. گزارشی از فروغی، نماینده اول ایران در جامعه ملل - که در موضوع کاهش سلاح در آن سازمان عنوان شده بود - به نخست وزیری ارسال گردید تا تصمیمی درباره این مسئله اتخاذ و نظر دولت ایران در این مورد رسماً اعلام شود. ظاهراً بدون اخذ تصمیم، نامه و گزارش به بایگانی سپرده شد. (سند شماره ۱)

مجدداً طرحی از سوی تیمور تاش، وزیر دربار وقت به مستر هور، وزیر مختار انگلیس در تاریخ ۱۷/۷/۲۴ تسلیم شده بود بدین شرح که:

"ماده ۱- طرفین متعاهدین، متقبل می شوند در حدود وسایل موجوده در کلیه اقدامات برای جلوگیری از تجارت غیرمشرع اسلحه و مهمات و ادوات جنگی در خلیج فارس و خلیج عمان، تشریک مساعی نمایند.

ماده ۲- در آبهای آزاد خلیج فارس و خلیج عمان، مأمورین بحری شاهنشاهی موظف خواهند بود که نظارت و تفتیش تمام کشتیهای دارای بیرق ایران را - که مورد سوءظن تجارت غیرمشرع اسلحه و مهمات و ادوات جنگی واقع شوند - بنمایند.

همچنین مأمورین بحری انگلیس، موظف خواهند بود که در آبهای آزاد خلیج فارس و دریای عمان نظارت و تفتیش تمام کشتیهایی که مورد سوءظن تجارت غیرمشرع اسلحه و مهمات و ادوات جنگی واقع می شوند، بنمایند به استثنای کشتیهایی که بیرق ایران را دارا هستند.

ماده ۳- طرفین متعاهدین، موافقت دارند در آبهای ساحلی - که وسعت آن هفت کیلومتر است - حق نظارت و تفتیش هر کشتی، صرف نظر از ملیت آن، منحصرأ مخصوص مأمورین مملکتی است که مالک آن آبهای ساحلی است.

ماده ۴- طرفین متعاهدین، موافق هستند که خلیج فارس و خلیج عمان جزو منطقه مخصوص برطبق ماده ۱۲ قرارداد ژنو مورخ هفدهم ژوئن ۱۹۲۵ مربوط به نظارت تجارت بین المللی اسلحه و مهمات و ادوات جنگی - که از طرف دولت شاهنشاهی شناخته نشده - نبوده است و هیچگونه رژیم مخصوص شامل دو خلیج مزبور نشود.

ماده ۵- قرارداد به دو نسخه به زبان فرانسه تنظیم و هر چه زودتر به تصویب

خواهد رسید و اسناد مصدق در تهران مبادله خواهد شد و تا پنج سال از تاریخ تصویب، اعتبار خواهد داشت و چنانچه شش ماه قبل از مدت پنج سال فسخ نشود، به خودی خود ادامه حاصل کرده و بعد در هر موقع به شرط اینکه سه ماه قبل اطلاع داده شود، قابل فسخ است. تمام مواد این قرارداد، به استثنای ماده ۴، در صورت فسخ از اعتبار خواهد افتاد. (۳۴)

طرحی نیز در همین زمینه از سوی سرهنگ ریاضی ارائه شد که خلاصه آن چنین است:

”در خلیج فارس و خلیج عمان تفتیش کشتیهایی که دارای بیرق ایران باشند، بدون رعایت ظرفیت آنها، با قوای بحری شاهنشاهی است و تفتیش کشتیهایی که دارای بیرق انگلیسی باشند، بدون رعایت ظرفیت آنها، با قوای بحری انگلیسی است.

دولتین، باید به کشتیهایی کم تر از پانصد تن خود جواز رسمی بیرق بدهند. نسبت به کشتیهایی کم تر از پانصد تن دول ثالث و یا کشتیهایی که دارای هیچ بیرقی نیستند، نظارت و تفتیش به عهده کشتیهای جنگی ایران و انگلیس هر دو خواهد بود.

حق نظارت نسبت به کشتیهایی که دارای جواز رسمی هستند، منحصر به تفتیش بیرق است لا غیر. در آبهای ساحلی، تفتیش کامل کلیه کشتیهای عهده دولت مالک آن آبهای ساحلی خواهد بود. (۳۵)

تلاش مجدد جهت تعدیل عهدنامه

در تاریخ ۱۳۱۲/۷/۱۹ ش. ۱۹۳۳م. انوشیروان سپهبدی، نماینده ایران در ژنو، مأموریت یافت تا مذاکراتی با مأموران انگلیس انجام دهد؛ بدین مضمون که ”در خصوص خلیج فارس و خلیج عمان، نظر دولت ایران بر این است که سعی شود انگلیسها متقاعد شوند با خروج آنها از منطقه مخصوص به عقد قرارداد بین دو دولت موافقت کنند و اگر شناسایی سایر دولتها را لازم بدانند، می توان به سایر دولتها اعلام کرد و عدم اعتراض آنها، به منزله شناسایی خواهد بود و در خصوص خلیج فارس و دریای عمان، گذاشتن این دو منطقه جزو منطقه مخصوص، خلاف اصل دریای سرزمینی (۳۶) است و جواب ایران منفی است.“ (سند شماره ۳۷۲)

در پی این مأموریت، سپهبدی در تاریخ ۱۳۱۲/۷/۲۴ در لندن با سرجان سایمون ملاقات کرد و ضمن پاره ای مذاکرات اظهار داشت که: ”... دولت ایران امیدوار است دولت انگلیس از تعقیب سیاست ۱۹۲۵ خود در مورد آبهای خلیج فارس خودداری کند.“ وی، همچنین تأکید کرد: ”در طرح قرارداد مابین ایران و انگلیس، تفتیش و نظارت کشتیهایی که پرچم ایران را دارا می باشند و در آبهای خلیج فارس و دریای عمان سیر می کنند و مظنون به حمل و نقل غیرقانونی اسلحه می باشند، بر عهده بحریه ایران خواهد بود؛ ولی کشتیهایی که بیرقی غیر از بیرق ایران داشته باشند، نظارت و تفتیش آنها بر عهده انگلیس خواهد بود.“ (۳۸)

وزارت خارجه انگلیس، در پاسخ طی نامه ای خطاب به حسین علاء، مخالفت خود را با طرح سپهبدی و تغییرات انجام شده در آن اعلام نمود. (۳۹)

در این میان، تصمیم نهایی دولت در این باره مشخص نبود؛ چنانکه حسن تقی زاده، طی نامه ای به وزارت امور خارجه در ۱۳۱۲/۷/۲۳ اظهار داشت: ”از مراجعه به دوسیه خلع سلاح و مذاکرات مربوط به خلیج فارس، ملاحظه شد

که اولیای دولت، جواب روشنی هنوز در باب تکلیف و پیشنهادهای راجع به خلیج فارس نداده اند و عدم تعیین تکلیف قطعی در صورت انعقاد انجمن مزبور، موجب بروز اشکالات برای نمایندگان دولت علیه می شود. آنچه پس از تأمل به نظر می رسد، آن است که برای حفظ اصول و رعایت حیثیت دولت ما، باید اصولاً تساوی کامل حقوق بخوایم؛ یعنی اگر انگلیسها در موضوع تفتیش کشتیهایی کوچک تر از پانصد تن ظرفیت برای خود حقی قائل شوند، ما نیز عیناً آن حق را داشته باشیم و اگر تفتیش اوراق مربوط به استعمال بیرق ایرانی بخواهند بکنند، ما هم همین کار را نسبت به کشتیهایی انگلیسی باید حق داشته باشیم به عمل بیاوریم و به نظر اینجانب، نتیجه این تساوی به قرار ذیل می شود:

۱- در صورتی که انگلیسها حق پیدا کنند که نسبت به کشتیهایی کوچک تر از پانصد تن ایرانی تقاضای تفتیش هویت بیرق نمایند، دولت ایران نیز باید حق داشته باشد کشتیهایی کم تر از پانصد تن انگلیس را نسبت به بیرق آنها تفتیش هویت و حق استعمال بیرق را بنماید.

۲- در صورتی که دولت انگلیس حق پیدا کند کشتیهایی کم تر از پانصد تن دولت ثالث را در باب حمل اسلحه تفتیش نماید، دولت ایران هم باید همین حق را نسبت به آنها داشته باشد.

۳- نسبت به کشتیهایی بومی سواحل خلیج فارس و غیر از ایران و عراق، اگر دولت انگلیس حق تفتیش اسلحه داشته باشد، دولت ایران نیز باید داشته باشد و نباید آنها کشتی انگلیسی فرض شود که فقط نسبت به بیرق آنها تفتیش به عمل آید و اگر هم حامل بیرق انگلیس باشد، نباید این حق را برای آنها اصولاً شناخت. تنها می توان در صورت اصرار حضرات، فرمولی پیدا کرد که به این وسیله، به طرز غیر مستقیم مالکیت انگلیس را در آن سواحل نشناخته باشیم ولو آنکه در عمل حقی برای مراقبت انگلیس داده باشیم.

۴- خلیج فارس و بحر عمان، باید از منطقه ممنوعه خارج شود. اما در باب کشتیهایی بزرگ، به عقیده اینجانب هیچگونه حقی اصولاً نسبت به تفتیش آنها یا تفتیش بیرق نباید قائل شد ولو آنکه در عمل فعلاً به صرفه ما نباشد؛ چه عهدنامه مدت خواهد داشت و بعدها تغییر می یابد و اساساً قبول کردن چنین اساسی برای کشتیهایی بزرگ در خلیج فارس، مقتضی به نظر نمی آید؛ گذشته از آنکه انگلیسها هم تصور نمی شود قبول نمایند ...

در پایان، تقی زاده تعیین تکلیف صریح و فوری موضوع را از سوی دولت خواستار شده بود. (۴۰)

حاکمیت خلیج فارس، متعلق به ایران است

ابوالحسن فروغی، نماینده ایران در جامعه ملل، راجع به قرارداد همکاری با دولت انگلیس در خلیج فارس، پس از انجام مذاکراتی با تقی زاده و سرهنگ ریاضی و استعلام نظرات ایشان در تاریخ ۱۳۱۲/۷/۱۲ پیش از آنکه به پاریس مراجعت نماید، گزارشی بدین شرح به نخست وزیر ارسال داشت:

”... جناب آقای تقی زاده، این نظر را به طور کلی اظهار داشته که چون این اواخر دولت انگلیس، مایل به حل و تنویر قضایای معوقه بین آن دولت و ایران می باشد، معلوم می شود صرفه خود را در این می بیند که قضایای مزبور زودتر حل شود ... و در چنین صورتی تعجیل بر حل قضایا، مطابق صلاح دولت ایران نیست. بنده چون در جریان امر نبوده ام، اولاً نمی توانم بدانم انگلیسها تا چه حد در حل اختلافات اصرار دارند؛ ثانیاً در صورتی که

اصرار داشته باشند، دو فرض می‌توان نمود؛ یکی اینکه طالب تصفیه باشند از این نظر که در صورت تأخیر به واسطه قوت گرفتن ایران احتمال خطر برای آنها برود، در این صورت می‌توانیم ضرر آن را نفع خود محسوب داریم. دیگر اینکه عجله آنها در تصفیه امور مربوط به احتمال پیشامدهایی باشد که برای دولتین ایران و انگلیس هر دو ضرر داشته باشد. بنابراین آنچه مسلم و مقطوع است، این است که قبل از تصمیم باید موضوع را به دقت مطالعه نمود، صرفه واقعی ایران را در نظر گرفت. لهذا راجع به امر خلیج [فارس] نیز، این اندازه مسلم و مقطوع می‌باشد که اگر ضرورت قرارداد قطعی و ثابت دانسته شود، بهتر است قرارداد مزبور به طور مستقل و غیر مربوط به سایر قضایای معوقه صورت گیرد.

حال می‌توان گفت: مذاکره در امر خلیج [فارس] و حل این قضیه، قبل از اینکه موضوع به طور کلی در کنفرانس خلع سلاح مطرح شود، به دو علت ضرورت دارد؛ علت عمده پیشنهاد سابق ماست که به دولت انگلیس داده شده. چه اگر مطابق آن پیشنهاد، کشتیهای ما و تفتیش سایر کشتیها عموماً به عهده دولت انگلیس واگذار گردد، در واقع اختیار خلیج فارس بکلی به انگلیسها داده می‌شود و این مسئله، منافی منافع و حیثیت ما خواهد بود و اگر طرح چنین پیشنهادی از طرف دولت ایران در دست انگلیسها بماند، ممکن است در موقع از قسمتی که به ضرر ماست، استفاده کنند و از قسمتی که به نفع ماست، چشم پوشی نمایند.

علت دیگر که فرض می‌شود، این است که اگر ما و انگلیسها قبل از تشکیل کنفرانس موافقت حاصل ننموده باشیم، شاید در کنفرانس صورتی پیش آید که قطعاً مخالف مصالح ما باشد و اگر چه در آن موقع اعتراض نموده، از کنفرانس هم خارج شویم، شکی نیست که برای ما اسباب زحمت فراهم خواهد بود.

۲- راجع به تعیین یا عدم تعیین ظرفیت کشتیها، پس از مذاکرات این طور به نظر می‌آید که عدم تعیین ظرفیت و تعمیم تفتیش به تمام کشتیها، هم غیر عملی و هم مخالف حیثیت طرفین است؛ زیرا تفتیش هر کشتی بارسیدگی به جواز بیرق هر کدام مقرر شود، برای کشتی ای است که ظن قاچاق بر آن برود و ممکن است در هویت آن شبهه نمایند و تعمیم این سوءظن به کشتیهای بزرگ طرفین خوشنایند نخواهد بود و منافی حیثیت و اعتبار دفاتر ثبت دولت و صورتی است که از کشتیهای ثبت شده، داده می‌شود. این فرض را هم که ما کشتی بزرگ نخواهیم داشت، نباید به نظر آورد؛ چه اولاً یقین نیست که در مدت دوام قرارداد پیدا نکنیم یا از کشتیهای متعلق به رعایای ایران - که فعلاً در دریاهای دیگر کار می‌کنند - متوجه خلیجین [فارس - عمان] نشود؛ ثانیاً محسوس خواهد شد که نظرات ماروی این خیال است که کشتی بزرگ نداریم و نخواهیم داشت و این نیز خلاف حیثیتی است که می‌خواهیم در آتیه داشته باشیم.

آقای سرهنگ ریاضی هم، در یادداشتی برای هیئت نمایندگی، این موضوع را به طرز ذیل بیان نموده اند که: "اینکه می‌فرمایند (۴۱) در صورتی که انگلیسها اصرار به تفتیش هویت بیرق نمایند، تقاضا شود بدون رعایت ظرفیت متقابلاً تفتیش به عمل آید؛ باید در نظر داشت که این عهدنامه ذوجنبتین (۴۲) وقتی برای طرفین مفید می‌باشد که حق تفتیش بیرق دول ثالث را - که اعراب سواحل جنوبی خلیج فارس نیز جزو آن می‌باشند - داشته باشیم و بنابراین بایستی به وسیله پروتکل علیحده، این عهدنامه توسط دیگران نیز

شناخته شود.

به عبارت اخرا، علاوه بر اینکه بحریه ایران متقابلاً حق تفتیش سفاین ۵۰۰ تنی انگلیسی را خواهد داشت، از سفاین ۵۰۰ تنی دیگران نیز می‌تواند جواز مطالبه نماید و این مسئله، به صرفه ماست. حال با برداشتن قید ظرفیت بالفرض انگلیسها با شرط متقابله آن را مقبول کنند، چون جهت دریا بین المللی است، خیلی بعید به نظر می‌آید دیگران آزادی خود را سلب نموده، قبول کنند هر کشتی آنها را در وسط دریا حق داشته باشیم توقیف نموده، جواز بخواهیم و در صورت امتناع آنها، چنین عهدنامه مفهومی نخواهد داشت؛ زیرا ضدیت با بیرق دیگران می‌شود و قاچاقچیهایی نیز بیرق دول ثالث را ممکن است برافرازند.

۳- چون امر ضروری و فوری بالا صاله استرداد پیشنهاد سابق است، در تلگراف امروز استدعا نمودم که به طور مقدمه و به عنوان اینکه اعتراض انگلیسها بر بعضی مقررات پیشنهاد مزبور، موجب تغییر نظری برای خود ما شده، می‌خواهیم داخل مذاکره جدیدی مبنی بر اساس دیگر شویم؛ اقدام به استرداد آن پیشنهاد فرمایند. پس از انجام این مقصود، قسمت مهم از داعی ما بر مذاکره مرتفع می‌شود و در صورتی که مناسبات اقتضای تعقیب جدی مذاکره را ننماید، می‌توان هر طور که صلاح بدانند آن را به تعویق انداخت. به این سبب که بنده فی الواقع کار ضروری جز استرداد پیشنهاد سابق که بی سبب از طرف ما خلیج را به انگلیس بخشیده نمی‌بینم و اصل این را می‌دانم که دو خلیج بدون قیدی از منطقه ممنوعه خارج و تحت قواعد بین المللی جاری در دریاهای آزاد باشد و باید هر دولتی که مجاور آن است، در آبهای ساحلی خود سعی وافی در امنیت آن آنها نموده، از قاچاق و تجارت غیرقانونی اسلحه جلوگیری کند. فقط در صورتی مجبور به بستن قرارداد ذوجنبتین با انگلیسها خواهیم بود که انگلیسها - چنانکه گفته می‌شود - از تحدیدی در تجارت اسلحه در دو خلیج به هیچ وجه صرف نظر نمایند و اگر به وسیله قرارداد ذوجنبتین این امر را طوری تصفیه نکنیم که موافق صلاح خودمان باشد، می‌توانند ترتیب مضری در این خصوص با مشکلات بزرگ برای ما پیش آرند."

بنده شخصاً چون سابقه کافی در این امر ندارم، از این حیث نمی‌توانم رأیی اظهار کنم و در سهم مأموریت خود از این جهت بدون اظهار نظر و قبول مسئولیتی تابع مرکز خواهم بود؛ اما در صورت امر و تصویب مذاکره نیز چون به هر حال ما به وسیله قرارداد ذوجنبتین برای انگلیسها در خلیج [فارس] حقی زاید بر قواعد عمومی بین المللی خواهیم شناخت، صرفه و منظوری را که باید کوشش در حصول آن داشته باشیم، این می‌دانم که در عوض این حق که برای انگلیسها شناخته خواهد شد، به وسیله قرارداد قابل تعمیم به شکل پروتکل (۴۳) بر عموم ممالک ما هم در جهت دریا، حق نظارت به طور برابری با انگلیسها (لا اقل در عنوان ظاهر) حاصل کرده، اثبات یک حق اختصاصی را برای دولت ایران در خلیج [فارس] کرده باشیم و این یکی از موجبات نظر بنده بر عدم قید ظرفیت است. چه اگر یک چنین مقصودی قابل حصول گردد، منحصر آدر صورتی خواهد بود که تعلق آن به کشتیهای کوچک مصرح باشد. ۴- چون در دستورهایی که تا به حال رسیده، تصریح نفرموده اند که مأمور مذاکره کیست و در کجا مذاکرات باید از طرف این نمایندگی صورت گیرد، لازم است که مراسم معرفی بنده به اولیای امور انگلیسی، به وسیله سفارت شاهنشاهی در لندن و سفارت انگلیس در تهران صورت گیرد ... (۴۴)



خلع سلاح مورخ دهم آوریل ۱۹۳۴ انتخاب و اعزام گردیدند. (۴۶)
 از تقی زاده، یکی از نمایندگان ایران در کنفرانس، گزارشهایی در دست
 است که به بیان شرح مهمانیها، خوشوقتیها و بعضاً مذاکرات وی با مقامات
 انگلیس در خصوص دوستی فی مابین می پردازد. (۴۷)
 با توجه به شرایط جهانی آن روزگار و خروج آلمان و در پی آن ژاپن از
 جامعه ملل، لازم می نمود هر دولتی صراحتاً عقاید خود را در مورد کنفرانسها
 و پروتکل ضمیمه در مورد خلع سلاح اعلام دارد. مخالفت ایران با قرارداد
 - ۱۹۲۵ چنانکه گفته شد - در زمینه حذف خلیج فارس و دریای عمان از
 مناطق مخصوص قید شده در قرارداد ۱۹۲۵ بود.

نتیجه اقدامات

با خروج آلمان و ژاپن از جامعه ملل و کنفرانس، جهان وارد مرحله
 جدیدی از تهدید صلح و وحشت از جنگی جهانگیر گشته بود. آلمان، معتقد
 بود که چنانچه در مورد کاهش تسلیحات تصمیم گرفته شود، باید همه
 دولت‌های عضو جامعه، آن را رعایت نمایند نه اینکه زرادخانه‌های مملو از
 سلاح خود را به حالت آماده باش قرار دهند و دولت‌های کوچک را تهدید
 نمایند. (۴۸)

در این میان کمبانیهای اسلحه سازی، از راه برافروختن و تداوم جنگ
 بسیار ثروتمند شده بودند. هر از چند گاهی در جهت مدرنیته کردن سلاحهای
 انبار شده، انبوهی از سلاحهای فرسوده بر سر گروهی از مردم در گوشه‌های
 مختلف جهان می بارید و از دیگر سو، بازار معاملاتی جدید رونقی روزافزون
 می یافت. (۴۹)

سرانجام کنفرانس خلع سلاح جامعه ملل، به رغم تلاشهای همه جانبه،

از سوی دیگر انوشیروان سپهبدی، مجدداً مأموریت یافت با نمایندگان
 انگلیس به مذاکره بپردازد. دستورالعملی که مذاکرات می بایست بر مبنای آن
 صورت می گرفت از این قرار بود: "در خصوص خلیج فارس و خلیج عمان،
 نظر دولت بر این است که سعی شود انگلیسها را متقاعد کنیم با خروج آنها از
 منطقه مخصوص، به عقد قرارداد بین دولتمین موافقت کنند و اگر شناسایی
 سایر دول را لازم بدانند، می توان جواب داد قرارداد بین الاثین را ممکن است
 به سایر دول ابلاغ کنیم. عدم اعتراض آنها به منزله شناسایی خواهد بود و نیز
 می توان هر دولتی را - که مایل بود - شریک در قرارداد کرد. اگر به این ترتیب
 حاضر نشوند، هر چند وجود منطقه مخصوص مخالف آزادی دریا است،
 برای دوستی با انگلیس حاضر می شویم بحر احمر و خلیج عدن در منطقه
 مخصوص باشد و اگر شمول سواحل عربستان را در خلیج فارس لازم بدانند،
 ممکن است موافقت کنیم ابهای ساحلی عربستان هم تا سرحد عراق جزو
 منطقه مخصوص بماند. اگر به این هم قناعت نکنند و اصرار داشته باشند تمام
 خلیج فارس و عمان جزو منطقه مخصوص باشد، دولت ایران این فقره را
 منافی حقوق حقه خود می داند و نمی تواند زیر بار برود و ناچار خواهد بود
 از کنفرانس خلع سلاح خارج شده، اعلان کند هر تصمیمی بدون رضایت
 ایران گرفته شود، چه در باب خلیج فارس چه در سایر مسائل نسبت به ایران
 "کان لم یکن" خواهد بود. اینجا با وزیر مختار انگلیس مذاکره خواهد شد.
 جنباعالی هم لازم است فوراً به لندن رفته، در این زمینه با دولت انگلیس مذاکره
 و خاطر نشان نماید که اگر این موافقت را بکنند، برای حسن مناسبات خیلی
 مفید خواهد بود." (۴۵)

حسن تقی زاده، ابوالحسن فروغی و سرهنگ ریاضی نیز در تاریخ ۱۳۱۳/۷/۲۱
 ۱۳۱۳ ش. ۱۹۳۴ م. به عنوان هیئت نمایندگی ایران، جهت شرکت در کنفرانس

در یازدهم ژوئن ۱۹۳۴م. ۱۳۱۲ش. تعطیل شد و عهدنامه هفدهم ژوئن ۱۹۲۵ نیز به دلیل نرسیدن به حد نصاب، هیچگاه عملی نشد. (۵۰)

* * *

در حال حاضر قطعنامه‌ها و معاهداتی چند در زمینه احترام به حق حاکمیت کشورها با توجه به اصل حسن نیت و عدم سوء استفاده از حق (۵۱) (قدرت) به انجام رسیده است.

اعتماد و اطمینان، حق را از دو صفت قابل پیش بینی بودن و ثبات برخوردار می‌سازد. از همین رو قطعنامه شماره ۲۶۲۵ بیست و پنجمین اجلاس سازمان ملل متحد (۲۴ اکتبر ۱۹۷۰م. ۱۳۴۹ش.) - که به اتفاق آرا به تصویب رسید - مقرر می‌دارد: هیچ دولتی حق مداخله مستقیم یا غیر مستقیم در امور داخلی و یا خارجی دولت دیگر را ندارد. مداخله مسلحانه و سایر انواع مداخلات یا تهدیدات علیه شخصیت یک دولت یا اجزای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن، تجاوز به حقوق بین المللی محسوب می‌شود. (۵۲) از اعلامیه‌ها و قراردادهای بین المللی در جهت کاستن از خشونت‌ها و ضایعات عظیم جنگ و ممنوعیت کشتارهای جمعی، به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

- اعلامیه شانزدهم آوریل ۱۸۵۶م. ۱۲۳۵ش. پاریس در مورد جنگ دریایی.

- عهدنامه بیست و دوم اوت ۱۸۶۴م. ۱۲۴۳ش. ژنو، مربوط به حمایت از مجروحان، بیماران و کادر بهداشتی.

- اعلامیه بیست و نهم نوامبر ۱۸۶۸م. ۱۲۴۷ش. سن پترزبورگ، در مورد ممنوعیت استفاده از برخی سلاحها.

- عهدنامه ۱۹۰۴م. ۱۲۹۳ش. لاهه در مورد بیطرفی کشتیهای بیمارستانی.

- عهدنامه ۱۹۰۶م. ۱۲۹۵ش. مربوط به حمایت از بیماران و مجروحان جنگی.

- عهدنامه‌های ۱۹۰۷م. ۱۲۹۶ش. لاهه که عبارت از ۱۳ قرارداد می‌باشد؛

ده قرارداد آن مربوط به جنگهای زمینی و سه قرارداد مربوط به جنگهای دریایی است.

- عهدنامه ششم فوریه ۱۹۲۲م. ۱۳۰۷ش. واشنگتن، مبنی بر عدم استفاده از زیردریایی و تهدید سلاحهای دریایی و از جمله محدود کردن کشتیهای جنگی.

- پروتکل هفدهم ژوئن ۱۹۲۵م. ۱۳۰۴ش. ژنو، در زمینه منع استعمال گازهای خفغان آور، سمی و یا مشابه آنها و مواد میکروبی.

- پیمان صلح یا کلگ - بریان (پاریس) ۱۹۲۸م. ۱۳۰۷ش. پیمان تحریم جنگ.

- پروتکل‌های ۱۹۷۷ (دو پروتکل) که به عهدنامه ۱۹۴۹ ژنو الحاق گردید که اولین آن مربوط به جنگهای مسلحانه بین المللی و دومی، جنگهای غیر بین المللی است و تا سال ۱۹۸۱ به تصویب ۱۷ کشور رسید.

- عهدنامه مورخ دهم آوریل ۱۹۸۱ در مورد منع یا محدودیت استفاده از برخی سلاحهای کلاسیک که می‌توانند منجر به صدمات جبران ناپذیر و یا اثرات نامشخص گردند. این عهدنامه، سه پروتکل در زمینه تشعشعات هسته‌ای در بدن انسان، استعمال مین و تله‌های انفجاری، استفاده از سلاحهای آتشزبه دنبال دارد.

- قراردادهای مربوط به منع یا تحدید سلاحهای هسته‌ای: (۵۳)

الف - قرارداد پنجم اوت ۱۹۶۳م. ۱۳۴۲ش. مسکو، در منع آزمایشهای هسته‌ای در جو، ماورای جو و زیر دریاها.

ب - قرارداد بیست و هفتم ژانویه ۱۹۶۷م. ۱۳۴۵ش. در مورد اصول حاکم بر فعالیت کشورها.

ج - قرارداد اول ژوئیه ۱۹۶۸م. ۱۳۴۷ش. در مورد منع گسترش سلاحهای هسته‌ای.

د - قرارداد یازدهم ژانویه ۱۹۷۱م. ۱۳۴۹ش. در زمینه منع استقرار سلاحهای هسته‌ای و دیگر سلاحهای انهدام دسته جمعی در کف و زیر کف دریاها و اقیانوسها.

ه - قرارداد دهم آوریل ۱۹۷۱م. ۱۳۵۰ش. در مورد منع ساخت، تولید و انباشت سلاحهای میکروبی یا سمی و انهدام انبارهای موجود.

و - قرارداد بیست و ششم مه ۱۹۷۲م. ۱۳۵۷ش. در زمینه محدود کردن سلاحهای استراتژیک اتمی (سالت ۱).

ز - قرارداد ولادی وستک، بیست و چهارم نوامبر ۱۹۷۴م. ۱۳۵۳ش. در مورد محدود کردن سلاحهای هسته‌ای (سالت ۲)، (۵۴) و ...

در پایان، بی‌مناسبت نیست به نقل قولی از خانم مری رابینسون، کمیسر عالی حقوق بشر بردازیم. او، به مناسبت پنجاهمین سال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین گفت: "در این پنجاهمین سالگرد، موردی برای جشن گرفتن، تبریک گفتن و خوشحالی کردن وجود ندارد. ما، نمی‌توانیم ادعا کنیم که طی این پنجاه سال فعالیت در زمینه حقوق بشر، دستاورد قابل توجهی در کم کردن موارد نقض حقوق بشر داشته‌ایم. در همین دهه، دوبار شاهد کشتار دسته جمعی علیه صدها هزار افراد انسانی بوده‌ایم ... و هیچ اعتنایی به اسناد حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی نمی‌شود. صدها میلیون نفر در فقر شدید به سر می‌برند. میلیونها کودک به خاطر نداشتن آب سالم و یا ابتلا به بیماریهایی که قابل پیشگیری هستند، می‌میرند..." (۵۵)

پی نوشتها :

۱- International Conference of Disarmament.

۲- non-alignment، عدم تعهد، خودداری دولتها از پیوستن به یکی از دو گروه بندی بزرگ و متضاد قدرت. کنفرانس کشورهای غیر متعهد در ۱۹۶۱ با شرکت ۳۵ کشور در بلاگراد تشکیل شد. ر. ک: فرهنگ اندیشه نو، ویراستار: پانزایی، انتشارات مازیار، ۱۳۶۹، ص ۵۴۵.

۳- جهان مسلح، جهان گرسنه، نوشته ویلی برانت، ترجمه هرمز همایونیور، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۸۶.

۴- Pacl, Covenant، معاهده‌ای است که در جهت حفظ صلح و یا به خاطر همکاری بین کشورها امضا می‌شود، مانند میثاق جامعه ملل، میثاق بریان کلگ. ر. ک: حقوق بین الملل عمومی، دکتر سید جلال الدین مدنی، انتشارات پایدار، ۱۳۷۷، صص ۲۷۰ و ۲۷۱.

۵- حقوق معاهدات بین المللی: دکتر محمد رضا ضیایی بیگلری، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳، ص ۳۱ و سه.

۶- همان، ص ۲۰-۱۸.

۷- سلوک بین المللی دولت اسلامی: محمد حمیدالله، ترجمه و تحقیق سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۳۱۰ الی ۳۱۴.

۸- Political Balance.

۹- حقوق معاهدات بین المللی: دکتر ضیایی بیگلری، صص ۳۲ الی ۳۴.

۱۰- همان، ص ۳۷.

۱۱- Permanent Court of Arbitration (P.C.A) بر اساس یکی از معاهدات کنفرانس صلح لاهه به وجود آمد و در هجدهم اکتبر ۱۹۰۷ تجدیدنظر و تکمیل گردید؛ از پیش از ۱۹۰۶ عضو تشکیل شده است. هر کشور عضو حق انتخاب ۴ داور را به مدت ۶ سال

داراست و این داوران، در معرفی نامزدهای قضاوت در دیوان بین المللی دادگستری نقش تعیین کننده ای دارند. ر.ک: حقوق بین المللی عمومی (چاپ ۱۸)، دکتر ضیایی بیگلری، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳، ص ۴۵۰.

۱۲- Mediation اقدامات قدرت ثالث برای ایجاد تفاهم و توافق بین دو کشور در حال اختلاف است. خصوصیت اصلی آن، اختیاری بودن آن است. ر.ک: همان، ص ۴۴۲.

۱۳- همان، صص ۳۹-۳۸.

۱۴- همان، صص ۴۲-۴۱.

۱۵- تاریخ جامعه ملل: اف. بی. والترز، فریدون زندفرد، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، صص ۹۲ و ۹۳ و نیز ص ۵۴۷ به بعد.

۱۶- اصل هشتم: ۱- اعضای جامعه ملل تصدیق می کنند که حفظ صلح، مستلزم آن است که تجهیزات نظامی ملی به پایین ترین سطحی که با امنیت ملی و ایفای تعهدات مشترک بین المللی سازگاری دارد، کاهش یابد. ۲- شورا با توجه به وضع جغرافیایی و اوضاع و احوال هر دولت، طرجهایی برای کاهش تسلیحات جهت بررسی و اقدام دولتها تنظیم خواهد کرد. ۳- این طرجهای حداقل هر ده سال یک بار باید مورد تجدیدنظر و بررسی قرار گیرند. ۴- پس از پذیرش طرجهای کاهش تسلیحات از سوی دولتها، از محدودیتهای تسلیحاتی تعیین شده در آنها بدون رضایت شورای امنیت تجاوز کرد. ۵- اعضای جامعه ملل توافق دارند که تهیه مهمات و ادوات جنگی از سوی کارخانجات خصوصی، محل ایراد اساسی است. شورا باید نظر گرفتن نیازمندیهای آن دسته از دولتهای عضو که خود قادر به تهیه مهمات و ادوات جنگی برای حفظ امنیتشان نیستند، برای جلوگیری از تهیه مهمات و ادوات جنگی زائد، توصیه های لازم را خواهد کرد. ۶- اعضای جامعه ملل متعهد می شوند که اطلاعات مربوط به میزان تسلیحات و برنامه های نظامی، دریایی، هوایی و نیز وضع آن دسته از صنایع خود را که ممکن است برای مقاصد جنگی مورد استفاده واقع شوند، به نحوی کامل و صادقانه با یکدیگر مبادله کنند.

۱۷- مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین المللی ج.ا.ا، شماره ۸، بهار تابستان ۶۶، مقاله مفهوم تجاوز در حقوق بین الملل، نوشته طارم سری و دیگران، زیر نظر دکتر ممتاز.

۱۸- ایران و سازمانهای بین المللی: دکتر سید داود آقایی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۶۰ و ۶۱.

19- Preparatory commission for the disarmament conference.

۲۰- Temporary Mixed commission for the Reduction of Armaments (T.M.C)

۲۱- تاریخ جامعه ملل، صص ۱۵۹ الی ۱۶۲.

۲۲- Treaty of Mutual Assistance.

۲۳- ایران و جامعه بین الملل: فریدون زندفرد، نشر شیرازه، ۱۳۷۷، صص ۱۰۹-۱۰۷.

۲۴- Convention for the Control of the Trade In Arms and Ammunition, and Protocol, ۱۹۱۹.

عهدنامه کنترل و تجارت اسلحه و مهمات ۱۹۱۹ که در دهم سپتامبر ۱۹۱۹م. ۱۹۱۹ش. در سن ژرمن پاریس به امضا رسید. به موجب ماده ۶ این عهدنامه، دولتهای امضا کننده متعهد بودند طبق مفاد عهدنامه از ورود اسلحه و مهمات فاقد پروانه خاص - که با نظارت بین المللی همراه بود - به برخی سرزمینها ممانعت کنند. همچنین از ورود و حمل و نقل اسلحه و مهمات به مناطق دریایی مشخص شده در عهدنامه داشته بود؛ بدین نحو که ممنوعیت خرید و حمل اسلحه و مهمات، هم شامل سرزمین ایران می شد و هم منطقه دریایی خلیج فارس را در مسیر قسمت شرقی سرحداث ایران در خلیج عمان دربر می گرفت. ر.ک: ایران و جامعه ملل، فریدون زندفرد، انتشارات شیرازه، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰.

۲۵- اصل دهم - اعضای جامعه ملل متعهد می شوند که تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کنونی کلیه اعضای جامعه ملل را محترم بشمارند و از آنها علیه تجاوز خارجی مراقبت نمایند. در صورت وقوع چنین تجاوزی یا تهدید به آن یا خطر وقوع آن، شورا در مورد چگونگی ایفای این تعهد اعضا، توصیه های لازم را ارائه خواهد کرد.

۲۶- ایران و جامعه ملل، صص ۱۲۲-۱۲۳.

۲۷- همان، صص ۱۲۴-۱۲۰.

۲۸- Convention for the Supervision the International Trad In Arms and Ammunition

۲۹- ایران و جامعه ملل، ص ۱۳۶.

۳۰- تاریخ بیست ساله ایران: حسین مکی، ج ۳، ص ۳۵ و نیز مجموعه مقالات و فرار دادهای تاریخی دوره قاجاریه، به کوشش غلامرضا طباطبائی، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳.

۳۱- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس: نوشته دکتر زرگر، ترجمه کاوه بیات، صص ۱۳۵ الی ۲۴۲.

۳۲- High Sea.

۳۳- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، ص ۳۳۹، سند شماره ۸، نخست وزیری، شماره پاکت ۱۷۲۵، شماره تنظیم ۱۰۲۰۰۸.

۳۴- اسناد نخست وزیری، شماره پاکت ۱۷۲۵، شماره تنظیم ۱۰۲۰۰۸.

۳۵- اسناد نخست وزیری، شماره پاکت ۱۷۲۵، شماره تنظیم ۱۰۲۰۰۸.

۳۶- اصل دریایی سرزمینی: ۱- حق حاکمیت دولت بر ماورای قلمرو خشکی و آبهای داخلی تا منطقه ای از دریا که متصل به سواحل آن دولت است و دریای سرزمینی خوانده می شود. ۲- این حق حاکمیت، با رعایت مقررات مندرج در این مواد و سایر قواعد حقوق بین الملل اعمال می شود. ماده اول کنوانسیون دریای سرزمینی ۱۹۵۸ و نیز ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای (با افزودن آبهای مجمع الجزایری به دنبال آبهای داخلی)، ر.ک: حقوق بین الملل دریاهای، رابین جرجیل و آن لو، ترجمه بهمن آقایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳، صص ۱۱۹ و ۱۱۹.۱ طبق قانون اصلاح قانون تعیین حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت ایران (مصوب تیرماه ۱۳۱۳)، ۲۲ فوروردین ۱۳۳۸ / آوریل ۱۹۵۹، مواد یک و دو حاکمیت ایران را در آبهای داخلی و کف و زیر کف دریای ساحلی به رسمیت شناخته است. ماده سه، عرض دریای ساحلی ایران را از خط مبدا آبهای مزبور، ۱۲ مایل دریایی مشخص نموده و طبق تبصره، هر مایل دریایی مساوی با ۱۸۵۲ متر است. ر.ک: همان، ص ۶۳۶.

۳۷- اسناد نخست وزیری، شماره پاکت ۱۷۲۵، شماره تنظیم ۱۰۲۰۰۸.

۳۸- همان.

۳۹- همان.

۴۰- همان.

۴۱- اشاره به نظریات تقی زاده که قبلاً بیان شد.

۴۲- دو جانبه، منظور عهدنامه دو جانبه میان ایران و انگلیس است.

۴۳- Protocol، توافق الحاقی یا متممی که به یک معاهده منضم و یا بعداً افزوده شده است و یا صورت جلسه کنفرانسی که نمایندگان کشورها موافقت خود را با آن اعلام نموده اند و یا سند امضای یک معاهده بین المللی که به آن پروتکل امضای گویند. ر.ک: تنظیم معاهدات بین المللی، دکتر سید حسین عنایت، دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ۱۳۷۰، صص ۳۶-۳۵.

۴۴- اسناد نخست وزیری، شماره پاکت ۱۷۲۵، شماره تنظیم ۱۰۲۰۰۸.

۴۵- همان.

۴۶- همان.

۴۷- همان، (کلیه اسناد از آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران فراهم گردیده است).

۴۸- تاریخ جامعه ملل، ص ۳۳۱.

۴۹- بازار اسلحه، آنتونی سمسون، ترجمه فضل الله نیک آیین، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲، صص ۷۱-۷۰.

۵۰- ایران و جامعه ملل، ص ۱۲۹.

۵۱- Detourmanted de Povvior.

۵۲- در هوای حق و عدالت: محمدعلی موحد، نشر کارنامه، ۱۳۸۱، صص ۳۷۵-۳۷۳.

۵۳- International Law, Rebecca m.wallace, London, Sweet Maxwell, ۱۹۸۶, P. ۲۳۵-۲۱۷.

۵۴- حقوق بین الملل عمومی و اصول روابط بین الملل: دکتر سید جلال الدین مدنی، انتشارات پایدار، ۱۳۷۷، صص ۲۰۳-۱۹۸.

۵۵- حقوق بشر و راهکار اجرای آن، دکتر حسین مهرپور، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۳۰.

نوعه (۱۱)

تاریخ ۱۰۴ / ۱ ماه سنه ۱۳۰۸
نوعه ۱۱۹۶۴ ضمیمه



وزارت امور خارجه

اداره امور و امور

دائرة

تعمیرات و تعمیرات

محرره شده است در وزارت خارجه و در فرعی نهاده است
درج بعد تقیرت در بعضی موارد که توجیه نموده است
بیشتر است در بعضی موارد که توجیه نموده است

در نامه من مرقوم است و تقاضای تقیرت در بعضی موارد

۱۴۰۹
۷۸۸۲

در وقت و در وقت
مهره ۱۱ / ۱۱

تعمیرات و تعمیرات
نوعه ۱۱ - ۱۱

۱۳۰۸
۲۳

۱۳۰۸
۱۳

اداره.....

نمونه (۶)



وزارت امور خارجه

سواد..... شماره..... مورخه..... وزارت
اداره..... که اصل آن شماره..... ثبت شد

حضرت ایرانی است. من همچنین روحانی امیرمردانم اردو فرمانم بر اینم گفتند که همه در دست حکومت
 امیرانند و در دست همه امیران است بلکه در خدمت تیرانی غرب است و همه در تصفیه با کتله از این نواص
 در صورت تا خرد بسط قدرت دشمن ایران احتمال خرد با بر آنها وجود در حکومت تمام فخر آنها نفع
 گویم که همه این تصفیه در در بر طبع احتمال پس از آنکه این همه از این نواص
 بر همه فخر داشته باشد تا به این که به رسم و تعطیل است اینست که قرار تصفیه با بر این نواص با جهت تمام غرض
 فخر راقص ایرانی در نظر گرفتند این نواص به وضع تر پس از آنکه از رسم و تعطیل می شود که اگر فخر است در بار
 قطع است در نظر گرفته است در بار در نظر بگیرد که فخر غیر در اول بر قضا بر موقه هر که کرد
 حال تیران گفتند تا که در این نواص و هر تصفیه قهر از آنست که وضع بطور عام در نواص
 مدع سماع که بر همه است فخر است در در عمت همه نهادن است که بر است که فخر است که

اداره.....

نمونه (۶)



وزارت امور خارجه

سواد..... شماره..... مورخه..... وزارت اداره که اصل آن شماره..... ثبت شد

تقریباً این روزها که کنگره پارلمانی خوشتر است و کنگره پارلمانی در حال حاضر در حال حاضر
 در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر
 در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر
 در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر
 در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر

در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر
 در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر
 در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر
 در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر
 در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر در حال حاضر

اداره.....



وزارت امور خارجه

نمونه (۶)

سواد..... شماره..... مورخه..... وزارت که اصل آن شماره..... ثبت شد

دستم به علم رن بر سر با...
 کجایان تقاضای حق...
 میباید جواز...
 تقاضای...
 کشته...
 معوض...
 ۳- جنج...
 بطور...
 با...

اداره.....

نمونه (۶)



وزارت امور خارجه

سواد..... شماره..... مورخه..... وزارت که اصل آن شماره..... ثبت شد

سرکار کابینه اینجانب تقصیر محترم هم گذرد امر برادرانک رفع موقوفه عریضه محبت استفسار تقویت جبار
 مذاکره نمایند و برادران بر طرف صدمه برانرا از استیجاب لذت
 اینجانب محترم آفرید اینجانب برادرانک در اینجانب اوراق که در برادران فرزندانه نهادن می باشد
 از طرف جنس را با کفایت کفایت می باشد و امر از اینجانب در جنس برادران از نقطه موقوفه ضمیمه
 در وقت قرار دادن اینجانب برادرانک از اینجانب در امر برادرانک در اینجانب خود کما در اینجانب
 آن آنها نمود که در واقع در کفایت غیره که استم موقوفه که جنس در عریضه محبت برادران فرزندانه
 با کفایت خود اینجانب کفایت که استم موقوفه که استم در جنس برادران فرزندانه
 و اگر در کفایت قرار داد محبت اینجانب امر را در تقصیر اینجانب برادرانک در اینجانب
 مقرر اینجانب جنس برادرانک برادرانک برادرانک

اداره.....

نمونه (۶)



وزارت امور خارجه

سواد.....نمره.....مورخه.....وزارت امور خارجه که اصل آن بشماره.....ثبت شد

- ۳ -

بهان ذلالت که رتبه دولت و صحت را که این مکتوب در این اظهار نام به رئیس الوزرا
 محبت نیز کردم و به ذمه نیست فرد ایران - و میرزا که عادت کرد به رئیس الوزرا در
 آنجا که در صحت - نفع صحیح بیدر دولت بود و در این صورت صحت و فواید آن را
 در روز عصر در کنگره بیخ ضیاع ایران را قدم فزاید که تفهیم و حق منتظر ترقی است این در این
 در هر زمینه تحت قدم بزرگان اینجاست اما در این است و در این است به در این است
 هر روز در این است به نفع دولت که رئیس الوزرا هم فزاید بود فواید رئیس الوزرا منتظر بود و
 فواید آن و فواید آن بر این صحت در این است اما در این است که در این است
 رئیس الوزرا را نیز فزاید کرد . تقریر شده

اداره.....

نمونه (۶)



وزارت امور خارجه

سواد بکریه... شماره... مورخه... وزارت که اصل آن شماره... ثبت شد

درد بسیار کزین بید خواب غمناک و بی نهایت زحمت زید در شرح ترقیات ایران در هر یک از
 امور موجب روزانه تمس و نیابت را نهاد داد به نظر از درجه بود هم جلالت و بزرگی در
 بدنه ایس و درگاه حضرت داشت و صحبت زید کردم در صحن مجلس در وضع خیر و صلوات بود خدایت
 و ساریه و در وضع صحبت از فردا نیز به سعادت کس در خدمت عتبات شود و درجه همان ساریه
 شد صبح به دریس و در آنجا به زود بروم بطوریکه به اینک در صحبت بود بخدمت قدر دان تا داشته خدایت
 در ذرات به در نظر نیاید هر چه هم دهند در ترقیات ایران بی نهایت اینجانب را جویایان کرد
 و بجز ترجمان صادر کرده اند . آتم زنده

۹۱

تاریخ (۱)



اداره
تعمیرات
بصره

سواد شماره مورخه وزارت اداره که اصل آن بنمره ثبت شد

خلاصه ترجمه طرح آقای سرهنگ ریاضی

در خلیج فارس و خلیج عمان مفتوح کشتیها ای که دارای بیرق ایران باشد بدون رعایت دار فیه آنها با توای بری تا همنشانی است و مفتوح کشتیها ای که دارای بیرق انگلیس باشد بدون رعایت دار فیه آنها با توای بری انگلیس است .

دولتین نامند کشتیهای کمتر از یازده تن خرد حواز رسمی بیرق بدهند .

نسبت به کشتیهای کمتر از یازده تن دولت قائلت و با کشتیها ای که دارای هیچ بیرقی نیستند تجارت و رفتن بسپه کشتیان جنگی ایران را انگلیس مرد در خواهد برد .

جز نظارت نسبت به کشتیها ای که دارای حواز رسمی هستند محصر به تغییر بیرق است لا غیر . در آبنام ساحلی مفتوح کامل کلیه کشتیها بمهده دولت مالک آن آنها را ساحلی خواهد بود .



نوع و عدد
موضوع سند
ضمیمہ
مشتول بالک نویس

کابینہ ریاست وزراء

۴۸۱

۲
۷

تاریخ تصدیق
تاریخ حصول
کتابی
درجہ

تاریخ تاجر در ... تاریخ یا ک نویس ... ماه ... تاریخ نشانی ۱/۲ ۱۳۰۱

در وزارت عدلیہ در خواست
۲۷۲۲
۱۹۱/۲۱
رامع سنی بہت نفع لگات دولت ایران اور
پہر آہنی قسی زبان دھان آہنی سرزا در کھن خان ذوقی دامانی
در کتبہ اپنی صنع سلج در وہی کدہ در درو مشرک بنے در فقیر صاحب

۱۳۰۱/۲۲

ماری